پیش‌گفتار

وجود اندیشه‌ها و تفکّرات مختلف و اصطکاک میان آنـها و هـمچنین تفاوت نگرش و بینش در گـذشته و حـال، از واقـعیت‌های روشـن و بدیهی جامعه اسلامی به شمار مـی‌آید، کـه از جـملهٔ مـهم‌ترین آنـها، تعارض دیدگاه‌های کلامی با انظار فلسفی و عرفانی است. در این راستا همواره چالش‌های مهمی میان جبههٔ فـقها و مـتکلمان و مـحدثان، بـا فلاسفه و عرفا در حوزهٔ اصول و مبانی اعتقادی و در مواردی در فروع دین و اخلاق جریان داشته است. از جمله: شناخت خـدا، تـوحید و توحید افعالی، حدوث و قدم، علم و قـدرت خـداونـد، بـدا، جـبر و تفویض، خیر و شر، تبیین و شناخت هستی، حقیقت نبوّت و جبرئیل و ملائکه، کشف و شهود، سماع و غنا، عشق، سقوط تکالیف و....

از این رو تبیین این مجادلات در بیشتر موارد، همراه با مخاصمات و تندی‌هایی بوده است. متأسفانه برخی از دوستداران فلسفه و عرفان با روشی جانبدارانه، منتقدان مذهبی و فکری خود را ـ که بـه هـمسان انگاری معرفت دینی و معرفت فلسفی ایمان ندارند ـ تجهیل نموده و با

برچسب‌های گوناگون متهم کرده‌اند؛ اما در واقع، همان طور که در میان معتقدان به نظریهٔ وحدت حقیقت دینی و فلسفی، نحله‌های گوناگونی وجود دارد، در میان هواخواهان تفکیک نظریه حقیقت دینی و فلسفی نیز، گروه‌ها و نحله‌هایی ـگاه متضاد با مذاهب گوناگون ـ به چشم می‌خورد. نکتهٔ دیگر این که عدم مرزبندی صحیح و برخورد مغرضانه و یکسویه، نمی‌تواند بیانگر واقعیت‌ها و حقایق تلقی شود.

این کتاب مجموعه چهار مقاله با عناوین «علامه مجلسی؛ اخباری یا اصولی؟»، «نقد مقالهٔ علم و دین»، «نقد عیار» و «نقدی بر نقد» را شامل می‌گردد که در نقد این اتهامات و تبیین و کاوش علل و ریشه‌های این چالش‌ها سامان یافته است. این مقالات، پیش‌تر در مجلهٔ کیهان اندیشه و یادنامهٔ علامهٔ مجلسی به چاپ رسیده است و هم اینک با تغییراتی اندک ارائه می‌گردد.

در ابتدا لازم است تا چکیده‌ای از محتوای مقالات ارائه شود:

علّامه مجلسی؛ اخباری یا اصولی؟

صیانت از مبانی قویم آیین آسمانی و مقدس اسلام و مذهب حقه جعفری، کاری است بس والا و گرانقدر. یکی از این مرزبانان سترگ، علامه مجلسی ـعالم شهیر قرن یازدهم و دوازدهم ـ است که در راه احیای فرهنگ شیعی، خدمات ارزنده و ماندگاری از خود برجای نهاده است.

تصلّب وی در دفاع از تشیّع، دشمنی زیادی را متوجّه او ساخته است. غیرمسلمان‌ها به ویژه غربی‌ها و نیز مخالفین شیعه و همچنین

روشنفکران لائیک و غرب‌زدگان ـ که مخالف رشد اندیشه دینی هستند ـ از جمله مخالفین سرسخت علّامه مجلسی به شمار می‌روند. نیز آن مرحوم مورد بی‌مهری بعضی از هواداران فلسفه و عرفان واقع شده و گاه بدون ارائه مستندات لازم، به عنوان اخباری مورد انتقاد قرار گرفته است. از این‌رو بیشتر نقدها و انتقادها علیه این عالم ربانی، خالی از عصبیّت نیست. البتّه این به معنای نفی نقدپذیری آثار آن مرحوم نیست. مطمئناً چنین نیست که نظرات اجتهادی، کلامی و فقهی بسیاری از فقها، در تمامی زمینه‌ها با علامه مجلسی همسان باشد. و اصولاً تضارب افکار و آرا و نقد و بررسی آنها یک جریان مستمّر تاریخی در حوزه اندیشه شیعی محسوب می‌شود. امّا بی‌طرفی و برخورد صحیح و دقیق، شرط اصلی این نقد و انتقادهاست.

یکی از پرسش‌های فراروی محققان، شناخت مسلکِ فقهی علامه مجلسی است. از آن‌جا که حیات علامه مجلسی با دوران رکود بی‌سابقهٔ علم اصول و غلبهٔ اخباری‌گری همزمان بوده، وی از سوی عده‌ای اخباری ملایم و از طرف برخی دیگر دارای موضعی میانه، مابین اصولی و اخباری قلمداد شده است و بر این انتساب‌ها، مستندات و شواهد لازم ارائه نگردیده است؛ با مراجعه به منابع مختلف و نیز شرح احوال علامه مجلسی، می‌توان گفت که تحقیق مستقل و مفصّلی در این زمینه عرضه نشده است. از این روی نوشتار حاضر به جهت برآوردن این مهم پدید آمد و مستندات فراوانی ارائه گردید که جهت‌گیری علامه مجلسی از دو گرایش اخباری و اصولی به سمت گرایش اصولی را نشان

می‌دهد. البتّه اصولیِ دوران فترت علم اصول، نه زمان تکامل و گسترش و یا دوره تدقیق آن.

این نوشته در همایش بزرگداشت علّامه مجلسی به سال ۱۳۷۸ش ارائه گردیده و به طبع رسید.

نقد مقاله علم و دین و نقد عیار

در سال ۱۳۷۱ ش مقاله‌ای با عنوان «عقل و دین از نگاه محدث و حکیم» در مجلّهٔ کیهان اندیشه به چاپ رسید. این مقاله با نسبت دادن اخباری‌گری و جمود به علامه مجلسی و ناقدان فلسفه و عرفان، به دفاع از اصول و مبانی فلسفهٔ ملاصدرا و دیدگاه‌های علامه طباطبائی و شرح علل توقّف تعلیقات بحارالأنوار در زمان زعامت مرجع شهیر تشیع آیت‌الله بروجردی پرداخته بود.

در پاسخ به این مقاله و برای روشن شدن برخی از ابهام‌ها و اتهام‌های موجود، مقاله «نقد مقاله علم و دین» از سوی نگارنده سامان یافت و در شماره بعدی همان مجله منتشر شد. نویسندهٔ محترم مقالهٔ مذکور این بحث را با مقالهٔ مفصل دیگری با نام «عیار نقد در منزلت عقل» دنبال نمود که در نهایت این مجادله با مقالهٔ دیگری از نگارنده با عنوان «نقد عیار» پایان یافت.

نقدی بر نقد

از سال ۱۳۶۴ش روانشاد آقای سید جلال‌الدّین آشتیانی با هواداری از

فلسفهٔ ملاصدرا، سلسله مقالاتی را در مجلّهٔ کیهان اندیشه ارائه نمود و ناقدان شیعی دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی، همانند علّامه مجلسی و برخی از عالمان متأخر حوزهٔ علمیه مشهد را مورد سخت‌ترین حملات خود قرار داد. مقالهٔ «نقدی بر نقد» ارزیابی سه مقالهٔ نخستین سلسله مقالات وی است که به سال ۱۳۶۵ش از سوی نگارنده تقریر یافت و موارد متعددی از اشتباهات فاحش و نسبت‌های نادرست را به طور مستند روشن نمود. باشد تا در شناخت بهتر بخشی از جریانات فکری و اعتقادی جهان تشیّع به کار آید.

* * *

به یقین، این مکتوب، خالی از کاستی و نقصان نیست و امید است که با ارشادات اهل نظر، در رفع آن توفیق حاصل شود.

و من الله التوفیق وعلیه التکلان

۱۳۸۵. قم. علی ملکی میانجی